

بازرگانی خارجی

و

چاره اندیشی دولت

الف - حوادثی

به حزب جمهوری ایراد نگیرید که شورای مرکزی آن مملو از تجاری چون حاج میر صادقی است. اینها تجار مکتبی هستند و چگونگی بخاطر قناعت اسلامی فقط نزدیک بیک میلیاردر ثروت کسب کرده اند، در آینده نیز تعهد سپرده اند که چیزی بیش از ادامگی جمع آوری همین ثروت مختصر نخواهند. بیچاره کاظم پور چگونه میتواند زبان در لب سخن بگوید که هم مردم فریب بخورند و هم حضرات لقمه در گلویشان نیچید و مطمئن باشید در داترهی "دولتی" بازرگانان خارجی میتوانند کماکان به فعالیت خود "در جهت حفظ منافع کشور" ادامه دهند؟

در زیر ما نکاتی پیرامون مسائلی دولتی کردن تجارت خارجی - چه نیت رژیم باشد و چه نباشد و چه بالاخره اجرای آنرا به سودشان بینند یا نبینند - طرح میکنیم. جنبش چپ ایران اگر بخواهد از سطح شعارهای خود فریب و کلیته‌سازیهایی سطحی "خوب و بد" رها شود مجبور است روی این مسائل دقت کند. مادرهایی های شماره ۲ و ۴ برنامه‌های رژیم را حول طرح ملی کردن بانکها و صنایع اقصاء کردیم و نشان دادیم که "ملی کردن" در قاموس این رژیم "دولتی کردن" است. خوشختانه اینبار طراحان رژیم همان واژهی "دولتی کردن" را بکار گرفته‌اند و زحمات افتاکری در باب این نکتهی خاص را از دوش ما برداشته‌اند؛ حال ببینیم "دولتی کردن" در رژیم سرمایه‌داری و بویژه سرمایه‌داری جمهوری اسلامی چیست.



بیچیدگی و تنوع تولید در مقیاس کشوری و جهانی تجارت خارجی و داخلی را در سطح وسیع و بی سابقه‌ای گسترش داده است. تجارت بعنوان شریک کننده‌ی مبادله و فروش کالا در حیات و تجدید تولید مناسبات سرمایه‌داری نقش تعیین کننده و اساسی دارد اما این نقش روزافزون و مهم تجارت هرگز به معنای داشتن سهمی در تولید ارزش اجتماعی نیست. بر خلاف نگهداری و حفاظت کالا و نیز حمل و نقل آن که قسمتی از کار اجتماعی لازم تولیدشمار می‌رود و لازمه تحقق ارزش مصرف تولید اجتماعی است. کار تجارت بواسطه تسهیلی که در امر بازاریابی و فروش کالا ایجاد میکند تنها در خدمت انباشت بیشتر سرمایه و

"برنامه و هدفهای من اینست که گرچه هدف را قانون اساسی مشخص کرده که در اصل ۴۲ و ۴۴ تکیه بر دولتی کردن بازرگانی خارجی است خلاصه میشود. اما این راه را در شرایطی میرویم که اثرات جنگ و تخلیه‌ی بار، محدودیت ظرفیت حمل و نقل بین المللی و سایر محدودیتها را باید خلاصه کرد ((؟)) ولی صمیمانه آرزو میکنم که با الهام از رهنمودهای امام بتوانیم در جهت تحقق هدفها گام موثر برداریم ... پیگیری در تحقق قطعی اصل ۴۴ قانون اساسی و سوق دادن تجارت خارجی در جهت حفظ منافع کشور" ((دولتی کردن یا نکردن؟))

کاظم پور، وزیر بازرگانی ۲۵ اسفند اگر کسی فهمید جناب وزیر چه میگوید جایزه دارد. "هدف من ... گرچه ... اما ... تحقق قطعی ... منافع کشور". از این گزارش فوق ریاکارانه‌ی تیپیک جمهوری اسلامی همه چیز دم می‌آید. بازرگانی خارجی دولتی میشود. نه! بازرگانی خارجی دولتی نمیشود چون ... اما. قانون اساسی بر دولتی کردن بازرگانی خارجی تاکید دارد و ما جهت انجسام آن بازرگانی خارجی را آنطور که "در جهت حفظ منافع کشور" میدانیم حرکت خواهیم داد ... این چندگویی ریاکارانه البته مطلوب طبع همه‌ی جریانهای حاکم است چون نه تنها آقایان بنی صدر و رجایی جناب وزیر را تاخیر کردند بلکه مجلس شورای اسلامی هم برایشان الله اکبر گفت. بهر حال، آنچه مسلم است اینست که حضرات تحت عنوان "دولتی کردن" و "اسلامی کردن" خوابهایی برای مردم مسازیده‌اند. لقمه‌ی چرب بازرگانی خارجی بزرگتر از آنست که بشود از آن گذشت، بخصوص که بخار عمده همشان مکتبی نیستند و میتوانند با کلاه گذاری "دولتی کردن" همه را بکلاه مکتبیون عزیز داد و دائره و کمیته‌هایی برای آن بوجود آورد که غرق در ثروت جلال شوند. و چه کسی میتواند با "دولتی کردن" بازرگانی خارجی مخالف باشد؟ چه کسی جز کسانی که دلشان بحال تجار و دلالهای مفتخور و کثیف بازار می‌سوزد؟

افزایش نرخ سود است. اگر به رابطه‌ی مستقیم سرعت گردش کالا و ازدیاد تولید ارزش اضافی توجه کنیم بواقعیّت تلاش سرمایه‌داری برای توسعه و گسترش هر چه بیشتر بخش تجارت بویژه در دوران معاصر بی‌میربم. فی‌المثل اگر سرمایه‌داری بخواهد تولید خود را چند برابر کند یکی از شرایط اینکار آنست که کالای تولید شده بموقع بفروش برسد و مدت زیادی صرف نگهداری و مخارج انبار کردن آن نگردد و نیز پول و اعتبار لازم در اسرع وقت در اختیار سرمایه‌دار قرار بگیرد و او بتواند مواد و احتیاجات مورد نیاز را بموقع بدست آورد تا سرمایه و جریان تولید در حداقل زمان با حداکثر استفاده از امکانات بازار و غیره بتواند بحرکت خود ادامه دهد.

انجام تمام اینها با وجود رقابت شدید مابین انحصارات و محدودیتهای بازار مستلزم داشتن دسترسی به اطلاعات و منابع بسیار پیچیده و دقیق و ارتباطات لازم و فراوانی با بازار است که در سیستم سرمایه‌داری با تکنیک و دانش خاصی سر و کار دارد و بی‌شک امکانات و هزینه‌های هنگفت مالی و صرف وقت و نیروی کار زیادی نیازمند است و بسادگی از عهده‌ی یک یا چند سرمایه‌دار تولیدکننده ساخته نیست.

از لحاظ تاریخی طبقه‌ی تجار (و نه هنوز بورژوازی تجاری) وظیفه‌ی توزیع و پخش تولید را عهده‌دار بوده است. ولی چنانکه گفته شد به همراه توسعه‌ی مناسبات سرمایه‌داری فعالیت و نفوذ اقتصادی این بخش گسترش یافت و به بورژوازی تجاری استحاله یافت و بلحاظ نیاز فراوان سرمایه‌داری فعالیت در این بخش به یکی از سودآورترین بخشهای سرمایه‌داری تبدیل شد. البته این سود قسمتی از ارزش اضافی حاصله در جریان اصلی تولید بوده که در مقابل خدمت بورژوازی تجاری بوی تعلق میگیرد و نرخ سود نیز در اینجا با معدل نرخ سود در سایر بخشهای سرمایه‌داری باید متعادل باشد. بعبارت دیگر یک تاجر به نسبت سرمایه‌ای که در این راه بکار انداخته انتظار دارد تا همانند سایر سرمایه‌داران سود ببرد، در غیر اینصورت هیچ سرمایه‌داری حاضر نخواهد شد سرمایه‌ی خود را در این بخش بکار اندازد.

بموازات انحصاری شدن سرمایه، توزیع و پخش نیز در دست انحصارات و شرکتهای بزرگ و تاجران عمده قرار گرفت این شرکتها و انحصارات بزرگ با امکانات و تکنولوژی پیشرفته‌تر بسادگی توانستند کنترل بازار را در دست بگیرند و رقبای کوچکتر را از میدان خارج کنند. بورژوازی تجاری بوروکرات یا به زبان دیگر آن بخش از بوروکراسی و دولت که توزیع و پخش تولید را در جامعه‌ی سرمایه‌داری تحت کنترل دارد بخش مهمی از بورژوازی تجاری محسوب میشود. با این ویژگی که سرعت گردش سرمایه را کندتر و بهتر است بگوئیم بی‌سرفه تر و زیان بارتر انجام میدهد. بوروکراسی بشرط کسب امتیاز (چه مستقیم مانند اخذ رشوه و یا بصورت غیرمستقیم مانند مزایا و

امتیازات حقوقی و پاداش) تن به انجام این کار آنهم با بی میلی و بی حوصلگی خواهد داد. در این مورد تجربه‌ی دولتهای باصطلاح سوسیالیست شایان توجه است. تا قبل از سالهای ۱۹۶۰ شاهکارها و حماقتهای این دولتها در امر تولید بصورت خنده‌آوری زیانزد عام و خاص شده و به اوج خود رسیده بود و بندهای زیبای حاکمیت را در کلاه گذاشتن بر سر توده‌ی مردم آشکار میساخت. برای مثال اگر در یک بخش از تولید، اساس بر حجم تولید قرار میگرفت کالاها چند برابر بیشتر از اندازه‌ی معمول تولید میشدند ولی اگر اساس بر حسب وزن بود اینبار کالاها با وزنی چند برابر حد معمول تولید میشدند و چنانچه تعداد مهم بود اندازه‌ی کالاها به نسبت همیشگی کوچکتر عرضه میشد و مضحک تر از همه آنجا که تولید بر اساس "وات" قرار داده شده بود روشنایی لامپها بقدری بود که چشمان را کور میکرد و... کالاهای انبار شده و به مصرف نرسیده روز بروز حجم زیادتری می یافت و جالبتر اینکه توزیع و پخش نیز با همان معیارها عمل مینمود و تنها چیزیکه اهمیت نداشت منافع و خواست توده‌ها بود. فقط کافی بود آن مقدار حجم یا تعدادی که با معیارهای موجود مطابقت داشت به محل مقصود میرسید و کار تمام بود.

بعد از رفرمهای ۱۹۶۰ و قرار داده شدن معیار کالاهای بفروش رفته بعنوان پایی ارزیابی موفقیت کارخانجات و موسسات دولتی، نقش بنگاهها و موسسات تجاری و بازرگانی برجسته گردید. بتدریج تخصیص بخشی از درآمد حاصله از فروش تولیدات به بودجه‌ی خصوصی موسسه و ایجاد منابع جدید کسب سود و پاداش، محرکهای مادی جدیدی برای گسترش فعالیت در بخش توزیع و پخش کالاها بوجود آورد. یکی از نتایج حالب این "پیشرفت"ها فعالیت مجدد در بخش تبلیغات و آگهی های تجاری است. درج و پخش آگهی در روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون، بوجود آمدن ویتترینهای نمایشی و بسته‌بندی های زرق و برق دار و حتی آگهی محصولات وارداتی از غرب جان تازه‌ای گرفت. (در سال ۱۹۶۸ نرخ آگهی برای محصولات خارجی در شوروی دقیقه‌ای ۶۰۰ دلار برای رادیو و ۲۰۰۰ دلار برای تلویزیون بود).

در چین نیز بهمین سیاق بازار پایی در صدر برنامه قرار گرفته است. عکسهای که اینروزها در مجلات از تابلوهای نصب شده بر در و دیوار و ویتترین های شهرهای چین چاپ شده و در آن تیا فیه‌های ساده و مظلومانه‌ی توده‌های چینی که با حیرت و حسرت به دکوراسیون اطاق خواب و حمام خانوده‌های خرده‌بورژوا و بورژوای امریکا خیره شده‌اند نشان داده میشود، بقدری تاثر انگیز و تاسف آور است که حتی تجدید خاطره‌ی آن نیز انسان را افسرده میسازد.

و اما اوضاع تجارت خارجی در سایر کشورهای "برادر" نیز از این آشفتگی مستثنی نیست. یوگسلاوی از سال ۱۹۵۲ انحصار دولت در بازرگانی خارجی را متوقف کرد و

بدين ترتيب چندین موسسه خصوصی در کنار پاره‌ای موسسات دولتی در امر تجارت سهم گردیدند. بطورکلی در دولتهای مزبور طبق روال طبیعی، تجارت خارجی زیر نظر وزارتخانه‌ی خاصی بنا موزارت بازرگانی خارجی قرارداد شده است اما فعالیت اصلی بازرگانی خارجی توسط چند موسسه که هر کدام اختیار واردات و صادرات بخشی از کالاها را دارند قرار دارد.

تعداد این موسسات بطور مثال در آلمان، هلند، سوئیس، چکسلواکی سی موسسه و شوروی و رومانی و لهستان در حدود پنجاه و پنج موسسه است. بعد از فرمهای دهه‌ی ۱۹۶۰ بتدریج این موسسات اختیارات بیشتری یافته، مانند سایر موسسات معیار سودآوری که بایه ارزیابی از نحوه‌ی موفقیت آمیز عملکرد و تعلق پاداش و امتیازات حقوقی به آنها قرار گرفت.

مهمتر اینکه بعضی از مراکز و موسسات تولیدی مستقیماً واردات و صادرات بعضی از تولیدات را بدست گرفتند. حر در یوگسلاوی که از سال ۱۹۶۷ به تمامی موسسات آزادی کامل بازرگانی تجارت خارجی داده شد. در سایر کشورها صادرات و واردات بسیاری از کالاها از جمله صادرات و واردات آجود در بلغارستان، ماشین و وسایط نقلیه در چکسلواکی، ماشین آلات در لهستان، دستگاههای مولد برق و موتورهای مورد نیاز صنایع و مانند اینها در جمهوری دموکراتیک آلمان و غیره از انحصار دولت خارج گردید و به موسسات خصوصی واگذار شد. همچنین تجارت با کشورهای غربی اروپایی در دهه‌ی اخیر به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت که لهستان کنونی از نمونه‌های بارز آن بشمار می‌آید. جالب اینکه درصد مبادلات خارجی بین دولتهای "سوسیالیستی" تنزل نموده، بالعکس درصد مبادلات خارجی آنها با کشورهای سرمایه‌داری غرب در دهه‌ی اخیر افزایش یافته است. جز آلمان بقیه تمایل زیادی به واردات کالاهای مصرفی نشان داده‌اند. در بعضی کشورها مانند مجارستان (۱۹۷۲)، رومانی (۱۹۷۲) و یوگسلاوی (۱۹۶۷) و بتازگی چین، اجازه‌ی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داده شده است.

مقصود از این بررسی نشان دادن مناسبات تولیدی جوامع مزبور نیست، بلکه آنچه در مرحله‌ی نخست قابل مشاهده است بی‌کفایتی درماندگی روابط بوروکراتیک در بهبودی و توسعه‌ی فعالیت بازرگانی و از جمله بازرگانی خارجی است. آنچه دیده میشود اینست که منافع و نیازهای توده‌ی مردم امری ثانوی تلقی شده یا اصلاً مورد توجه قرار نمیگیرد. هر عوض هر چه دامنه‌ی بوروکراسی وسیعتر و جدایی آن از توده‌های مردم عمیقتر میشود به همان نسبت عدم توانایی بوروکراسی در پاسخگویی به مشکلات پیچیده‌ی اقتصادی - اجتماعی آشکارتر میگردد. از مدتها پیش بسیاری از اقتصاددانان رویزیونیست این مساله را به

روشنی پیش‌بینی کرده بودند. بنظر انسان بهترین راه دسترسی به یک سیستم قیمت‌گذاری مطلوب ترکیب نوعی کنترل و برنامه از بالا و در کنار آن وجود یک بازار آزاد است که در آنجا قانون عرضه و تقاضا قادر خواهد بود بسادگی کار هزاران معادله‌ی پیچیده‌ی اقتصادی را انجام دهد. در جایی که صدها هزار نوع کالا تولید و عرضه میگردد تعیین قیمت مطلوب و مقدار مورد نیاز هر یک به آنچنان معادلات پیچیده‌ای نیاز پیدا میکند که از حیطة توانایی و معلومات دستگاه بوروکراسی خارج است و حتی اگر دولت به مهمترین سیستمهای الکترونیک مجهز باشد مشکل فزونی (چه بلحاظ بالا بودن هزینه‌ی زیاد کارگرفتن این دستگاهها و چه بخاطر تغییرات مداوم اجتماعی خارج از اراده‌ی سیستم کامپیوتری) کنترل تولید و عرضه و تقاضا را بر سرای بوروکراسی غیرممکن میسازد. بالعکس عدم کارایی و دخالت بوروکراسی در این امور به همراه خود موانع و مشکلات جدیدی را پیش خواهد آورد. از این رو بازگشت به نوعی بازار نیمه آزاد اترغیب بود و رقابت البته با عناوین سوسیالیستی و راههای خجالتی دیگری از این قبیل شیوه‌های اجتناب ناپذیر دولتهای باصطلاح سوسیالیست در زمینه‌های مختلف از جمله در امر بازرگانی خارجی بوده است.

مساله‌ی کنترل و نظارت بر توزیع و پخش تولید امری نیست که یک شبه حل شود، بلکه با آغاز تشکیل شوراها و کمیته‌های محلی و ناحیه‌ای در سطوح مختلف به همراه ایجاد شوراهای واقعی در جریان تولید، پروسه‌ای که بتدریج چگونگی اداره‌ی توزیع و پخش را تحت کنترل مردم و در خدمت منافع توده‌ها قرار میدهد، انجام میگردد. تجربه‌ی دولتهای باصطلاح سوسیالیست نشان میدهد که چگونه جریان بوروکراتیک شدن شوراها از انجام وظایف و اهداف مزبور جلوگیری نموده موانع جدیدی را بر سر راه تحقق این اهداف قرار میدهد.



و اما در جوامعی که از ابتدا بدستگاه عریض و طویل بوروکراسی روبرو هستیم، بویژه در جوامع سرمایه‌داری عقب مانده‌ای چون ایران چشم انداز اضافه شدن یک بخش جدید به دستگاه پوسیده‌ی بوروکراسی از قبل روشن است. گسترش بوروکراسی جز گسترش فساد، تحمیل هزینه‌های سنگین بر توده‌ی مردم و ایجاد سد و مانع در مقابل رشد و پویایی جامعه نتیجه‌ی دیگر نخواهد داشت، ولو اینکه در یک مقطع بحرانی، برای نجات سرمایه‌داری، تسلط بیشتر بوروکراسی بر روند تولید اجتماعی الزام آور جلوه کند. دخالت بیشتر دولتهای سرمایه‌داری در بازرگانی خارجی در اوایل دوران پس از جنگ جهانی دوم از نمونه‌های

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

اقدامات دولت برای خروج از بحران در یک دوره معین است. مسأله باززرگانی خارجی در جوامع عقب مانده و تحت سلطه سرمایه داری بدلیل ماهیت این وابستگی بالاجبه دخالت بیشتر دولت در تجارت خارجی را معمول داشته است. تقسیم کار عمده سرمایه داری جهانی، بخش مهمی از تولید کالاها را مونتاز و بعضی صنایع سبک را به جوامع تحت سلطه امپریالیسم محول نموده است. بطوریکه واردات کالاها واسطه ای به بخش عمده ای از بازرگانی خارجی این کشورها تبدیل شده است.

در ایران این روند بصورت افزایش شش برابر واردات کالاها سرمایه داری، پنج برابر کالاها واسطه و شصت برابر کالاها مصرفی در عرض مدت پنج سال از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۵۶ بوده است. در حالیکه صادرات کشور عمدتاً از چند قلم تجاوز نمیکرده است. صادرات غیر نفتی در مجموع کاهش یافته و تنوع کارهای وارداتی بالغ بر دویست هزار میگردد. لازم به یادآوری است که ارزش واردات، در سال ۵۶ در حدود هفده میلیارد دلار بوده است که از این مبلغ ارزش کالای مصرفی وارداتی در حدود سه میلیارد یا رقمی کمتر از ۲۰ درصد ارزش واردات بوده و سهم دولت از این مجموع در سال ۵۶ برابری نه میلیارد دلار یا بیش از نصف ارزش کالای واردات بوده است. با دولتی شدن عمده صنایع بخش خصوصی در دو سال اخیر شکستی نیست که سهم دولت در بازرگانی خارجی بطور طبیعی افزایش قابل ملاحظه ای پیدا خواهد کرد. همچنین تورم جهانی و بالا رفتن سرین قیمت کالاها و وارداتی دولت کنونی را که عمیقاً با یک بحران پولی و مالی دست بگریبان است تحت فشار شدیدی گذاشته است. دولت هم اکنون نزدیک به ۲۵۰۰ میلیون تومان به بانک مرکزی بدهکار است. درآمد حاصل از فروش نفت زمانی میتواند کسر بودجه ای دولت را جبران نماید که از طریق فروش ارز برای واردات تبدیل به پول گردد و این چیزی جز تاکید بیشتر بر واردات و تحمل بار سنگین تورم نخواهد بود. با این ترتیب خروج بی رویه ارز (با عواقب ناگواری که اعتبار و پشتوانه اقتصادی کشور را متزلزل خواهد ساخت) به یکی از راههای چاره ای دولت برای خروج از بحران کنونی بدل گشته است. تمام این مشکلات در حالی است که دولت علناً و رسماً بخش عمده بازرگانی خارجی را بعهده دارد و طبیعی است که با اعلام دولتی شدن تجارت خارجی مشکلات مزبور همچنان بقوت خود باقی خواهند ماند.

با توجه به آنچه گفته شد دولتی شدن تجارت خارجی در حال حاضر از دو جنبه قابل بررسی است:

۱- با نقشی که دولت تاکنون داشته، دولتی شدن بازرگانی خارج تغییری اساسی در موقعیت اقتصادی - اجتماعی به همراه نخواهد داشت. دولت بر این امر واقف است

که کنترل کالاهای متنوع مورد نیاز مصرفی، گذشته از اضافه نمودن دستگاها زاندیوروکراسی، تحمیل هزینه جدیدی بر دوش دولت و ملت و نارضامی کردن بخشی از حامیان رژیم (یعنی تجاری که عمدتاً به بازرگانی خارجی اشتغال دارند) قادر نیست نیازهای کنونی را پاسخ گفته، بلکه مشکلات موجود را چندین برابر خواهد کرد.

۲- دولت برای جلوگیری از خسار شدن کنترل اوضاع از دستش با شیوهی کنار آمدن و تفاهم با عده ای از تجار "موردا اعتماد و مکتبی" درصدد آنست تا هر چه بیشتر بر تثبیت قدرت انحصارگرانه خود بیفزاید.

اقدامات رژیم در زمینه تجارت خارجی با توجه به نکات فوق الذکر قابل تامل است. بعد از یکسال از تصویب اصل ۴۴ قانون اساسی که در آن ملی کردن تجارت بعنوان یکی از اهداف حکومت جمهوری اسلامی قید شده است شورای انقلاب لایحه دست و پا شکسته ای "قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا" را تحویل مجلس داد. طبق این لایحه مراکز بتدریج بوجود خواهند آمد که بازرگانان از طریق مراجعه باین مراکز و سفارش کالاهای خود (بعد از قبول و پذیرفته شدن درخواست ایشان از جانب این مراکز)، میتوانند اجناس سفارش شده را در مرز تحویل بگیرند. با اختیاراتی که در این لایحه به وزیر بازرگانی داده شده و با زدو بندهایی که بین تجار عمده و مراکز یاد شده قابل پیش بینی است عاقبت کار نیازی به توصیف بیشتر ندارد.

جهت گیری دولت دقیقاً جنبه های را که در مورد دولتی شدن تجارت خارجی ذکر کردیم نشان میدهد و عملکرد آتی رژیم نیز فراتر از این چهارچوب نخواهد بود. از هر زاویه که بنگریم توده های مردم جز با مشکلات و کمبودهای بیشتر اقتصادی و سلطه و انحصارگری رژیم فعلی مواجه نخواهند بود.

در صورت تسلط و انحصار بیشتر دولت و بوروکراسی بر عرصه اقتصادی جامعه و تثبیت بیشتر قدرت در دست حکام فعلی، هستی و زندگی اقتصادی توده ها بدست کسانی خواهد افتاد که در نشان دادن بی لیاقتی و بی کفایتی اداره ای ساده ترین امور و توسل به کثیف ترین شیوه ها برای تحمیل اراده و حفظ منافع خود، روی حکام ۲۵۰۰ ساله شاهشاهی را سفید کرده اند.

برخورد رژیم به شوراهای واقعی کارگران و سرکوب کمترین خواسته های توده ها برای کنترل و تعیین حقوق اولیه زندگی جای هیچگونه شکی در اینکه این رژیم قادر نخواهد بود منافع اولیه توده ها را برآورده نماید یا قسماً نمیکندارد. بنابراین آنچه در درجه اول اهمیت دارد افشای این واقعیت است که نه تنها رژیم کنونی قادر نخواهد بود بمعنای واقعی اجتماع نمودن بازرگانی خارجی را تحقق بخشد بلکه تنها در صورتیکه دولتی کردن تجارت خارجی بتواند بنحوی پایه های قدرت

را تثبیت نماید دست به آن میرسد.
 ختم این سخن بدون ذکر از حزب نبوده
 جایز نیست و باید دید که این تاجس و دلال
 گنه کار چه میگوید و چه سخنانی بگوید
 میکند. سخنی حزب نبوده: اول تکلیف
 یک وزارتخانه - در اینجا وزارت بازرگانی
 خارجی - و بعد گوشه چشمی به کشورهای
 "دوست"، بقیه با خواست و لطف پروردگزار
 و دعای خیر رفق انشاالله درست میشود.
 در یکی از مقالات مربوط به تجارت خارجی
 فر شربهی دنیا گفته میشود که:

"فورا در ایران وزارت بازرگانی
 خارجی باید تشکیل شود و صادرات و
 واردات کلیدی کالاها در اختیار این
 وزارت قرار گیرد."

بعد اشاره میکرد که وزارت بازرگانی خارجی
 "مناسبتی کالاهای مورد نیاز را از کشورهای
 که حاضر به مناسبات برابر و حقوقی
 بر منافع متقابل و بدون کوچکترین قید و شرط
 سیاسی و نظامی با کشورها هستند خریداری
 نموده..." آتوضیحا آب و تاب و جرب زبانی
 مانند دلالی که جمشید به مشتری تیاره واردی
 خورده باشد اضافه میکند "باآوری میکنم
 که کشورهای سوسیالیستی دارای آن چنان نظم
 رشد تکنیک و تکنولوژی هستند که میتوانند
 پیچیدهترین و پیشرفتهترین مسایل مورد نیاز
 را تولید کنند و با شرایط مناسب در اختیار
 ما قرار دهند" (۱۱) و بالاخره عاجزانسه و
 ملتزمانه کلابه میکند که "باید در کنار
 سفارش تولید این محصولات تا دیر نشده اقدام
 گردد. خصوصا که همه این کشورها آمادگی
 خود را برای کمک مادفانه و همه جانبه
 جهت تقویت امکانات کشور در رویا رویی
 امیرالیهها اعلام داشته اند و بدون
 تردید چنانچه فرصت یکسال و نیم پیش از
 انقلاب را هدر نداده و به موقع بایست
 کشورها سفارش تولید کالاها، اعم از سرمایه
 یا واسطه را میدادیم، هم اکنون از بسیاری
 جهات دشواری های ما برطرف شده... نبود.
 حزب نبوده که حاضر شده است اینگونه
 داوطلبانه حرف و بنگاه خود را در اختیار
 دولت قرار دهد، آرزو داشت قانون اساسی
 بجای دولتی کردن فلان و بهمان، یکباره دولتی
 کردن حزب نبوده را مورد تصویب قرار میداد تا
 این بیچارهها مجبور نباشند در هر مورد این
 همه بخود رحمت بدهند. کلاهی که حزب نبوده
 دیگران گذاشته برای عماد هنوز نیک است
 لیکن ولید پسته های شیانه روی احسان اللدخان
 و کیانوری تغلابی بخود نیست. هر آنچه
 هست مهم است که بدانیم حزب نبوده و نزدیک
 در دشان چیست و دلسوزی آنان بحال بسازار
 غارت شده ای ایران از کجاست. بگذارید
 انعام خود را بهتر نشان دهد و اگر انعامی
 هم فرا رسد اگراهی نیست.

دولتی شدن تجارت خارجی و با همیسن
 بر درگمی هر چه هست یک مزیت دارد و آن این
 است که سمت گیری اصلی مبارزه طبقاتی
 یعنی نشانه گرفتن دولت سرما به داری را مشخصتر

مسازد. عوهم دولت استوان میانی و آتشی
 دهنده طبقات و کده بدای تبدیل سترطیفاتی
 و بر آوردن رفاه عمومی را سر داده است. فرو
 بربرد و زخمیکتان بجای ساندروی به اس ما
 آن عشر سرمایه، مراحل تاریخی تکوینی
 شعور طبقاتی بوسیله را زودتر سموده و درمی
 بایست حکومت دولتی که ماهیتا در خدمت
 تولید سرمایه دار است هرگز قادر به تحقیر
 منافع آنان نیست. در این عورت تمام عرصه
 فعالیت اجتماعی تبدیل به رو در روی
 زخمیکتان از یکطرف و دولت حامی سرمایه دار
 از طرف دیگر است و چه بهتر که جای مدعیان
 سوسیالسم از هم اکنون مشخص شده باشد.

فدائیان اسلام...

۴۵. که ما در عقاید آینده در رابطه با
 ترور رژیم را توسط فدائیان اسلام نیست. آن
 اشارتی خواهم کرد))، و از اس روی ما بودن
 تان هوز سرعت نگار بودند تا برودت
 نایکانی شود. اس نگه آشکار شد که
 سجنی در نهان برای صورت رفت در
 بوده است " اجرا و حکومت وقت طی شد
 طلیل الله مقدم صفحی ۲۷)

(۲۴) حتی نویسندگان کتاب "مصداق
 و سجدت ملی ایران، انتشارات "ایمان
 انجمنهای اسلامی دانشجویان اروپا و انجمن
 اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا" کمد
 جرداد ۱۳۵۷ انتشار یافته است. در مورد دلیل
 ابطال انتخابات تهران چنین مینویسد:

"گزارشات انجمن نظارت بر انتخابات
 در سجدی دوم آبان ۱۳۲۸ سجدت کسبه
 انتخابات تهران و حومه باطل کرده."
 (صفحه ۶۲)

و در اسحا در آستانه انقلاب "صدرع اسلامی"
 هیچ ذکر از ناشرش روزها توسط فدائیان
 اسلام در ابطال انتخابات تهران بعمل میآید.
 (۱۵) "سران کوه آستان" صمیمی
 هیکل، انتشارات عادات، دم، صدوق پستی ۲۵۹
 ۱۳۵۸، صفحات ۷۲-۷۳
 (۱۶) همانجا، صفحی ۱۸۲



توضیح

منازل بی امضا، شربهی رهایی منعش کننده
 نظر عمومی سازمان وحدت کمونیستی است. سایر
 مقالات که با امضا، منتشر میشوند با آنکه از
 حدهی کلی منطبق با نظرات سازمان هستند،
 میداد میباید در داری راهی از جزئیات مطابقی
 شربهی امضا، آن نباشد.